

حلم جان زائران

بختی پیرامون چند بیت رودکی

به سخن مانند شعر شاعر رودکی را سخنش تلو نباست

شاعران را خه و احسنت مده رودکی را خه و احسنت هجاست

شهید بلخی

بیش از دویست سال است که دانشمندان به بررسی و تحقیق و جمع‌آوری اشعار باقیمانده استاد رودکی مشغولند و تا امروز بیش از ۲۰ کتاب شاعر به نشر رسیده است (۴۰، ۱). با وجود نشرهای متعدد آثار باقیمانده استاد رودکی، هنوز نسخه کاملی که جوابگوی طلبات علم‌متن‌شناسی باشد، تهیه و نشر نشده است. خوشبختانه اکنون بنیاد رودکی این کار سنگین و ثواب را بر دوش خویش گرفته و امید است که سالهای نزدیک متن علمی و صحیح اشعار رودکی نشر گردد.

مسلم است که بدون متن صحیح و کامل نمی‌توان تحقیقات سودمند و پرارزشی انجام داد. از این نگاه لازم است که نخست متن اثر بدیعی از نگاه متن‌شناسی تحلیل شود. برای این امر تمام منابع و نسخ موجود آثار استاد رودکی باید مورد بررسی و استفاده قرار گیرد. از آنجا که اکثر نسخه‌های باارزش در دسترس ما قرار ندارند، می‌خواهیم بر اساس مقایسه و مقابله چند نسخه، اندیشه‌های خود را در خصوص تصحیح چند بیت استاد رودکی بیان سازیم و هیچ‌گاه دعوی آن را نداریم که همه خلاصه‌های ما درستند. سبب در آن است که هنوز بحثها پیرامون اشعار باقیمانده استاد رودکی خیلی زیادند و با یکی دو مقاله کوچک نمی‌توان به آنها نقطه گذاشت.

هنگام تحلیل مقایسه‌ای نسخه‌ها معلوم شد که نسخه‌های تازه‌نشر استاد رودکی نیز عاری از خطا نیستند. اکثر اغلاط بنا به سبب خطا خواندن متن، افتادن حروف و کلمات، نادیده گرفتن معنی و وزن و خصوصیت‌های خاص شعر رخ داده‌اند. بعضی خطاها حین حروفچینی و نشر رخ داده‌اند، که در ذیل با اختصار به آنها خواهیم پرداخت.

در «دیوان استاد رودکی» این قطعه آمده است:

زندگانی چه کوتاه و چه دراز نه به آخر بُمُرد باید باز
هم به چمبر گذار خواهد بود این رسن را اگر چه هست دراز... (۱، ۲۲۱)
در سطر سوم به جای واژه «چمبر»، که معنی «قید»، «بند»، «کمند» (۲۷۲، ۶، ۵۲۲، ۱۰) و «حلقه» (۲۱، ۱۱) را دارد، اشتبهاً کلمه «چمبر» آمده است. شکل صحیح شعر مذکور به صورت ذیل است:

زندگانی چه کوتاه و چه دراز نه به آخر بُمُرد باید باز
هم به چمبر گذار خواهد بود این رسن را اگر چه هست دراز...

(۷، ۵۲۲، ۱۰، ۲۷۲، ۶، ۳۲، ۱۲، ۲۱، ۱۱، ۱۰۰۲-۱۰۰۱، ۷)

استاد خلیل خطیب رهبر بیت دوم را چنین معنی کرده است: «ریسمانِ (رسن) عمر اگر چه دراز باشد، سرانجام به حلقه‌ای (چمبر) که در کرانه آن است، خواهد رسید» (۱۰، ۲۱). به اندیشه ما ابیات بالا مأخوذ از آیه ۱۸۵ سوره آل عمران است که خداوند می‌فرماید: کل نفس ذائقة الموت «هر کس مرگ را می‌چشد...» (۴، ۷۵).

گاهی ما به نسخه‌های نشر ایران بیشتر اعتماد می‌کنیم و می‌خواهیم بر اساس آنها نسخه‌های تاجیکستانی را تصحیح نماییم. به اندیشه ما این روش تصحیح متن درست نیست. چنانکه در نسخهٔ پرارزش استاد سعید نفیسی شعر رودکی به صورت ذیل آمده:

آن صحن چمن که از دم وی گفتی دم گِـرگ یا پلنگ است

اکنون ز بهار مانوی طبع پرنقش و نگار همچو ژنگ است

بر کشتی عمر تکسیه کم کن کین نیل نشیمن نهنگ است (۷، ۹۷۳)

در «دیوان استاد رودکی» و نسخ دیگر بیت نخست چنین ثبت شده است:

آن صحن چمن که از دم دی گفتمی دم گرگ یا پلنگ است... (۱، ۱۸۱)

اختلاف نسخه‌های بین «دم دی» و «دم وی» است. به اندیشه ما شباهت حروف «د» و «و» در الفبای فارسی سبب خطا خواندن متن شده است. از لحاظ معنی و تناسب کلام تصحیح بیت فوق به مقصد موافق است. در این هنگام می‌توان گفت که «دم دی» صحیح است. مراد از واژه «دی» - زمستان، سرما بوده، مراد از «دم دی» وزش باد سرد زمستان است که استاد رودکی آن را به دم (آواز) گرگ و پلنگ تشبیه کرده است. درستی این اندیشه را بیت دوم شعر نیز تأیید می‌کند که سخن از ایام بهار می‌رود. می‌توان گفت که میان بیت اول و دوم شعر رشته پیوندی جای دارد و ایام زمستان را با بهار مقایسه می‌سازد.

در ابیات اول و دوم سخن از تغییر یابنده بودن و دایم یکسان نماندن صحن چمن می‌رود. استاد رودکی می‌گوید که آن «نقش و نگار همچو ژنگ» بهاری همیشگی و پایدار نیست و هر بهاری را خزانی در پی است و برعکس. در بیت سوم سلطان شاعران خواننده خویش را آگاه ساخته، می‌گوید که عمر آدمی نیز خالی از بهار و خزان (غم و شادی، جوانی و پیری، حیات و مرگ...) نیست و از این نگاه در این مدت پنج روز نباید آسوده و بی اعتنا بود. افزون بر این، استاد شاعران از ناگزیر بودن مرگ یاد نموده، عمر را به کشتی‌ای که در نشیمن نهنگ است، مانند می‌سازد.

در علم متن‌شناسی تغییر و تحریر و تحریف کلمات از خطاهای معمول است، زیرا اکثر تهیه‌کنندگان متن به خاطر روشن ساختن معنی شکل امروزه واژه و عبارات را می‌آورند و با این کار «ثواب» خود خواننده و محقق را از اصل متن و زبان و اسلوب سخنور دور

می‌سازند. حین تهیه اشعار بازمانده رودکی و معاصران او چنین حادثه بیشتر رخ نموده است..

چنانکه، در کتاب «شعر رودکی» شعری چنین آمده که از نسخه‌های دیگر فرق می‌کند:

دریغ مدحت چون دُرّ و آبدار غزل که چابکیش نیاید همی به لفظ پدید

اساس طبع سنایی است بل قوی‌تر از آن ز آلت سخن آمد همی همه مانید (۱۲، ۲۴)

در «دیوان استاد رودکی» واریانت دیگر شعر با تبدیل مصرع‌ها آمده است، که صحیح نیست:

دریغ مدحت چون دُرّ و آبدار غزل

اساس طبع سنایی است بل قوی‌تر از آن

که چابکیش نیاید همی به لفظ پدید

ز آلت سخن آمد همی همه مانید (۱، ۲۰۹)

مؤلف کتاب «ادبیات دوره سامانیان در فرهنگ‌های فارسی» (۸) در تحقیقات خویش تمام

واریانت‌هایی که در نسخه تاجیکستانی آمده‌اند، غلط می‌شمارد و شکل صحیح شعر را به

شکل زیر می‌داند که در «صحیح‌الفارس» آمده است:

دریغ مدحت چون دُرّ آبدار غزل

که چابکیش نیاید همی به لفظ پدید

اساس طبع به جایی است بل قوی‌تر از آن

ز آلت سخن آید همی همه مانید (۸، ۱۲۹)

بنابه قول س. سعیداف در کتاب «آثار رودکی»، «هزار مصرع رودکی»، «فرهنگ

اشعار رودکی» و نسخه علمی- انتقادی ا. س. براگینسکی واریانت‌های دیگر شعر مذکور

آمده‌اند که صحیح نیستند (۱۲۹-۱۲۸، ۸). اما معلوم نیست که دانشمند مذکور بر کدام اساس

نسخه «صحیح‌الفارس» را صحیح می‌داند.

در نسخه سعید نفیسی واریانت دیگر شعر مورد بحث آمده است که در نظر اول

نسبت به نسخه‌های مذکور نزدیک به زبان عهد استاد رودکی است. زیرا بعضی متن‌شناسان

بر آن عقیده‌اند که گاهی بعضی نسخ دشوارخوان و به نظر غریب در اصل می‌توانند صحیح باشند. توجه نمائید:

دریغ مدحت چون زَرّ و آبدار غزل

که چابکیش نیاید همی به لفظ پدید

اساس طبع به ثنایی است بل قوی‌تر از آن

ز آلت سخن آمد همی همه ماننید (۷، ۹۹۴)

در نسخه فوق به جای «پدید» واژه «پدید» و به جای «مانید» کلمه «ماننید» آمده است. استاد سعید نفیسی در خصوص واژه ماننید در پاورقی می‌گوید: «ماننید- از فعل ماندن، یعنی به جا گذاشتن، بازماندگی از چیزی یا کاری و حتی این کلمه را به تازی برده و به معنی بازمانده و بقیه به کار برده و آن را مواننید جمع بسته‌اند...» (۷، ۹۹۴).

ما نسخه سعید نفیسی را نمی‌توانیم بدون تحقیق لازم نادرست و غلط خوانیم. اینجا از متخصصان تاریخ زبان خواهش می‌شود که در این خصوص و در باره زبان اشعار رودکی و سخنسرایان همعصر او اندیشه‌های خود را بیان دارند. به اندیشه ما از نگاه زبان‌شناسی و تاریخ زبان تصحیح آثار بازمانده رودکی ضرور و صواب خواهد بود.

حین مقایسه نسخه سعید نفیسی با متنی که در کتاب «شعر رودکی» آمده، معلوم می‌شود که آنها به هم بیشتر شباهت دارند، تنها فرق در تغییر حرف «د» (۲۴، ۱۲) به «ذ» (۷، ۹۹۴) در سطر اول و به «ذ» (۷، ۹۹۴) در قافیه شعر است.

خطا خواندن متن در نسخه‌های تاجیکستانی بیشتر به چشم می‌رسند و یکی از سبب‌های پیدا شدن واریانت نو شعر می‌باشند. چنانکه، در «دیوان استاد رودکی» آمده:

سپید برف بر آمد به کوه‌سار سیاه

و چون درون شد آن سرو بوستان آرای

و آن کجا بگوارید ناگوار شدست

و آن کجا نگزایست گشت زودغذای (۱، ۲۵۰)

جهت شناخت معنی کلمه «گزاییدن» به «فرهنگ اشعار رودکی» که فرهنگ مؤلفی است رو نمودیم که آمده است: «گزاییدن (مجازی) - گزند رساندن، رنجاندن، آسیب رساندن، آزار دادن» (۷۰، ۶). ولی برای بیت شاهد به جای بیت ثانی، که واژه تشره شده را دارد، اشتبهاً بیت اول آمده است که به واژه معنی شده ارتباطی ندارد (۷۰، ۶). فزون بر این هنگام آموزش آثار رودکی معلوم شد که فرهنگ مذکور کامل و عاری از خطا نیست.

به اندیشه ما در سطر آخر خطا خواندن متن باعث رخ دادن غلط گشته است و شکل صحیح مصرع در کتاب «شعر رودکی» و نسخه سعید نفیسی به صورت ذیل آمده است: ... و آن کجا نگزایست گشت زودگزای (۴۲، ۱۲؛ ۱۰۲۷، ۷).

در کتاب «شعر رودکی» یکی از سروده های سلطان شاعران به گونه زیر آمده که از

نسخه های دیگر فرق می کند:

می آرد شرف مردمی پدید / آزاده نژاد از درم خرید

می آزاده پدید آرد از بداصل / فراوان هنر است اندر این نبید

هر آنکه که خوری می، خوش آنکه است / خاصه جو گل و یاسمین دمید

بسا حصنِ بلدا که می گشاد / بسا کره نوزین که بشکنید

بسا دون بخيلا که می بخورد / کریمی به جهلان در پراکنید (۳۰، ۱۲)

شعر مذکور در «دیوان استاد رودکی» نیز به شکل مذکور است، تنها به جای

«یاسمین» واژه «یاسمن»، به جای «دون بخيلا» «دون بخيلا» و به جای «در پراکنید» «در

پراکنید» ثبت شده است که همگی از قرائت های مختلف متن خبر می دهد (۲۰۲، ۱). بیت

نخست در «فرهنگ شعر رودکی» ذیل واژه های «آزاده نژاد» و «درم خرید» (۹۸-۹۷، ۶)

و در «فرهنگ زبان تاجیکی» نیز ضمن «درم خرید» عین نسخه‌های مذکور آمده است. اما در نسخه دکتر خلیل خطیب رهبر قرائت دیگر شعر به نظر می‌رسد:

می آرد شرف مرد، می‌پدید و آزاده‌نژاد از درم خرید... (۱۸، ۱۱)

بنا به قول خلیل خطیب رهبر، «می» در مصرع مذکور، پیشوند فعل برای تأکید و گاهی تأکید و استمرار است. می‌پدید آرد: همانا پدید آورد» (۱۸، ۱۱). اگرچه در تمام نسخه‌های مذکور مصرع اول «می آرد شرف مرد می‌پدید» آمده است، استاد خلیل خطیب رهبر برای خطا نخواندن متن، بعد از واژه «مرد» علامت ویرگول گذاشته، پیوند «می» را در زیرصفحه شرح داده است. ناگفته نماند که چنین حادثه، یعنی با فعل‌ها آمدن پیشوند «می» در زبان فارسی و تاجیکی نو نیست و از این نگاه نسخه خلیل خطیب رهبر شاید صحیح باشد.

در اینجا ما نمی‌خواهیم به این بحث نقطه بگذاریم و اندیشه می‌کنیم که «... مردمی پدید» و «...مرد می‌پدید» بنا به سبب شباهت کتابت و قرائت مؤلف رخ نموده‌اند. در هردو واریانت نیز وزن و معنی شعر کاسته و خلل‌دار نیست. از این نگاه به منابع اول روی نمودن صواب خواهد بود.

بیت آخر شعر مورد بحث در «دیوان استاد رودکی» به شکل زیر آمده:

بسا دُونِ بخیلا که می بخورد کریمی به جهان درپراکنید (۲۰۲، ۱)

در «فرهنگ اشعار رودکی» ذیل واژه «دُون» واریانت ذیل بیت دیده می‌رسد:

بسا دُونِ بخیلا که می بخورد کریمی به جهان درپراکنید (۱۰۲، ۶)

به اندیشه ما به طور زیر خواندن متن شاید صحیح باشد:

بسا دُونِ بخیلا که می بخورد کریمی به جهان درپراکنید (۱۹، ۱۱)

بنا به قول دکتر خلیل خطیب رهبر مراد از «دُونِ بخیلا» - «فرومایه، بسیار زُفت» و غرض از «که» - «هنگامی که» است. در بعضی نسخ مذکور سطر آخر شعر «کریمی به جهان

در پراکنید» (۱۰۲، ۶؛ ۲۰۲، ۱) ثبت شده است که صحیح نیست، زیرا اینجا «در» حرف اضافه مؤخر جهت تأکید حرف اضافه «به» می‌باشد که قبل از واژه «جهان» آمده است (۱۹، ۱۱). از این نوع حادثه در «قصیده پیری» نیز رخ نموده است و مراد ما بیت ذیل می‌باشد که در اکثر نسخه‌ها چنین ثبت شده است:

بسا نگار که حیران بدی بدو در چشم

به روی او در چشم همیشه حیران بود (۱۰، ۲)

مؤلف «فرهنگ اشعار رودکی» بیت فوق را ذیل واژه‌های «دُر» (در چشم- گوهرک چشم، مردمک چشم، سیاهی میانه‌جای چشم، که توسط آن می‌بینند) و «نگار» (نقش، تصویر؛ مجازی: محبوبه) چنین آورده است:

بسا نگار که حیران بدی بدو در چشم

به روی او در چشم همیشه حیران بود (۱۰۳، ۶ و ۱۶۸)

در «فرهنگ زبان تاجیکی» ضمن واژه «در» بیت مورد بحث اشتباهاً چنین ثبت شده:

بسا نگار که حیران بدی بدو در چشم

به روی او در چشم همیشه حیران بود (۳۲۴، ۹)

به اندیشه غالب واریانت نخست که در اکثر نسخ آمده است (۱۴، ۱۲؛ ۱۵، ۱۱؛ ۹۷۹، ۷؛ ۱۸۸، ۱) صحیح می‌باشد، زیرا مراد از «دُر» در سطر ثانی حرف اضافه است جهت تأکید که در مورد مصرع «کریمی به جهان در پراکنید» سخن کرده شد.

چنانکه در بالا ذکر شد، در سروده‌های رودکی واژه و بیت‌های بحث‌طلب خیلی زیادند و بنا به سبب «دور ماندن از اصل» شناخت متن اصلی و فهم معانی بعضی واژه‌ها برای ما پوشیده مانده است. برای شاهد این حرف می‌توان به شعر زیر روی نمود که واریانت‌های مختلف دارد:

ای وید غافل از شمار چه پنداری
کَت خالق آفرید بهر کاری؟
عمری که مر تراست سرمایه
وید است و کارهات بدین زاری

(۶۸، ۶؛ ۲۵۸، ۱)

در کتاب «شعر رودکی» سطر آخر شعر چنین آمده: ... وید است و کارهات بدین داری (۴۰، ۱۲)
در «فرهنگ زبان تاجیکی» ذیل واژه «وید(ا)» بیت دوم به شکل ذیل است که بی‌خطا نیست:

امری که مر توراست سرمایه
وید است و کارهات بدین زاری (۹، ۲۳۵)

استاد سعید نفیسی در نسخه‌ی خویش واریانت زیر را آورده است:

ای وید غافل از شمار چه پنداری
کت خلق آفرید بهر کاری

امری که مر تراست سرمایه
وید است و کارهات بدین داری (۳۵، ۱۰۳۵، ۷)
شاید «وید» و «وید» که دو نوع یک کلمه‌اند، خللی به شعر وارد نسازند، اما یکی را بر اساس سرچشمه‌های کهن و با اعتماد بر گزیدن بهتر است. «وید» در لغت معنی «کم و ضایع» را دارد (۳۵، ۱۰۳۵) و در نسخه‌های دیگر «وید» آمده است که شاید در ابتدا «وید» بوده و کاتبان بعدی برای روشنی معنی واریانت دوم را آورده باشند. در نسخه‌ی خلیل خطیب رهبر واریانت دیگر این شعر آمده است که گویا افتادگی دارد، اما ساده و روانی شعر بیشتر تأمین است:

ای غافل از شمار چه پنداری
کت خالق آفرید بهر کاری
عمری که مر تراست سرمایه
وید است و کارهات بدین زاری (۴۷، ۱۱)
مراد از «شمار» روز حساب و غرض از «زاری» خواری و رسوایی باشد. استاد خلیل خطیب رهبر بیت دوم را چنین معنی کرده: «سرمایه‌ی عمر را ضایع کردی و اعمال تو بدین رسوایی و زشتی است» (۴۷، ۱۱). استاد شاعران در شعر فوق اشخاصی را باد انتقاد گرفته که غافل از روز شمارند و عمر به بیهودگی صرف می‌کنند و نمی‌دانند که خداوند آنها را بهر چه خلق کرده است.

در «دیوان استاد رودکی» شعری در سوگواری شهید بلخی جای دارد که به نظر ما

عاری از خطا نیست:

کاروان شهید رفت از پیش	وان ما رفته گیر و می اندیش
از شمار دو چشم یک تن کم	وز شمار خرد هزاران بیش
توشه جان خویش از او بر بای	بیش کآیدت مرگ پای آگیش
آنچه با رنج یافتش و با ذل	تو به آسانی از گزافه مدیش
خویش بیگانه گردد از پی سود	خواهی آن روز مزد کمتر بیش
گرگ را کی رسد صلابت شیر؟	باز را کی رسد نهیب شخیش؟ (۱، ۲۲۴)

در نسخه خلیل خطیب رهبر و کتاب «شعر رودکی» تنها چهار مصرع اول آمده است،

که عین نسخه بالا می باشند (۲۵، ۱۲؛ ۲۳، ۱۱). در نسخه سعید نفیسی مرثیه مذکور کامل

آمده است که بیت های چهارم و پنجم آن به شکل ذیل است:

... آنچه با رنج یافتش و با ذل	تو به آسانی از گزافه مدیش
خویش بیگانه گردد از پی سود	خواهی آن روز مزد کمتر دیش... (۷، ۱۰۰۴)

حین مقایسه نسخه ها معلوم گشت که ابیات در «دیوان استاد رودکی» صحیح نیستند.

زیرا به جای «ذل» که معنی خواری و مدلت دارد، اشتباهاً «زل» (نرمی و مهربانی)، به جای

«گزافه» واژه «گرافه» و به جای «دیش» کلمه «بیش» آمده است. صاحب «فرهنگ اشعار

رودکی» نیز ذیل واژه «گزافه» در بیت شاهد واژه «ذل» را اشتباهاً «ذل» آورده است.

شعر زیرین استاد رودکی نیز به اندیشه ما بی خطا نیست. سبب رخ نمودن غلط خطا خواندن

متن و یا خطای کتابت آن است که کاتبان و تهیه کنندگان بعدی آن را تکرار کرده اند. در

نسخه سعید نفیسی آمده است:

گل بهاری، بت تتاری نبید داری چرا نیاری؟

نبید روشن چو ابر بهمن به نزد گلشن چرا نیاری (۱۰۲۶، ۷)

در «دیوان استاد رودکی» نیز شعر مذکور عیناً آمده است (۲۴۷، ۱). به اندیشه ما در مصرع دوم و آخر شعر عیناً به تکرار آمدن «چرا نیاری» درست نیست. اگر گوئیم که در شعر مذکور «چرا نیاری» ردیف است، پس قافیۀ شعر کجاست؟ زیرا واژه‌های «داری» و «گلشن» هیچ گاه نمی‌توانند قافیه باشند.

در نسخه خلیل خطیب رهبر شعر مورد بحث چنین ثبت شده است:

گل بهاری، بت تباری نبید داری چرا نیاری؟

نبید روشن چو ابر بهمن به نزد گلشن چرا نیاری؟ (۱۱، ۴۶)

در نگاه اول نسخه فوق صحیح می‌نماید، زیرا واژه‌های «نیاری» و «نیاری»، که با یک نقطه فرق می‌کنند، می‌توانند قافیه باشند، اما از لحاظ معنی و اسلوب بیان این نسخه نیز درست نیست. واریانت درست شعر به عقیده ما در کتاب «شعر رودکی» و «فرهنگ اشعار رودکی» (ذیل واژه‌های «تباری» و «نبید») آمده است که از نگاه معنی و اسلوب نیز صحیح می‌باشد:

گل بهاری، بت تباری نبید داری چرا نیاری؟

نبید روشن چو ابر بهمن به نزد گلشن چرا نیاری (۲۳۷، ۱۶۰، ۱۶۰، ۳۸، ۱۲)

در شعر دیگر رودکی نیز اضافه شدن و یا افتادن یک نقطه سبب پیدا شدن واریانت‌های مختلف گشته است. چنانکه:

گر نه بدبختی مرا که فکند به یکی جاف جاف زودغرس؟

او مرا پیش شیر بپسندد من نتاوم برو نشسته مگس

گرچه نامردم است مهر و وفاش نشود هیچ از دلم یرگس! (۱، ۲۲۲)

به اندیشه ما در سطر چهارم به جای «بر او» اشتباهاً «برو» آمده و در آخر سطر پنجم گذاشته شدن علامت ویرگول نیز بیجا است. در نسخه سعید نفیسی نیز شعر مذکور عیناً ثبت شده است. در نسخه‌های دیگر به جای واژه «برگس» کلمه «پرگس» آمده که تنها با یک نقطه حرف اول فرق می‌کنند (۴۱، ۱۲؛ ۱۹۱، ۶، ۳۱، ۱۰).

در «فرهنگ زبان تاجیکی» ذیل واژه «پرگس/پرگست» واریانت دیگر بیت آخر آمده است که صحیح نیست:

گرچه نامردمی است مهر و وفاش بشنود هیچ از این دلم پرگس (۳۱، ۱۰)
 استاد سعید نفیسی در مورد واژه «پرگس» می‌گوید: «به معنی معاذالله، در اصل «پرگس» و گویا در اصل «یرگس» بوده است، که «یرگست» هم ضبط کرده‌اند و یا «هرگس» (هرگس) و «هرگست» و گویا کلمه «هرگز» از همین جاست» (۱۰۰۳، ۷). اینجا نیز به سخن و اندیشه متخصصان تاریخ زبان نیاز داریم و بار دیگر تکرار می‌کنیم که در تصحیح آثار استاد رودکی جلب آنها سودمند خواهد بود.

بین اشعار بازمانده رودکی ابیاتی به چشم می‌خورد که در فصل‌های دیگر عیناً با کمی تغییر و یا تبدیل مصرع تکرار شده‌اند و به این حادثه بعضی از تهیه‌گران آثار شاعر نیز اشاره نموده‌اند (۱۶۴، ۲۴، ۱). این نمونه در اشعار سخنوران معاصر رودکی بیشتر به چشم می‌خورد که گویش آنها بحث خاصه را طلبگار است. برای ادلال سخن می‌توان به شعر زیر روی نمود:

همی بگشتی تا در عدو نماند شجاع

همی بدادی تا در ولا نماند فقیر

بسا کسا که بره ست و فرهشه بر خوانش

بسا کسا که جوین نان همی نیابد سیر

مبادرت کن و خاموش مباش چندینا

اگرت بدره رساند همی به بدر منیر (۲۲۰، ۱)

باید گفت که نسخه مذکور عاری از خطا نیست. زیرا به جای «عدو»، «ولا» (دوست، یار) و «فَرَحْشَه» (نان کوچک پرمغز پسته و لوزینه؛ کلوچه روغنین و رقیق لوزینه دار) سهواً کلمه های «عدو»، «ولا» و «فَرَهْشَه» ثبت شده‌اند. واریانت درست شعر در نسخه‌های خلیل خطیب رهبر و استاد سعید نفیسی به گونه زیر آمده:

همی بکشستی تا در عدو نماند شجاع

همی بدادی تا در ولا نماند فقیر

بسا کسا که بره است و فرخشه بر خوانش

بسا کسا که جوین نان همی نیابد سیر

مبادرت کن و خاموش مباح چندینا

اگر ت بدره رساند همی به بدر منیر (۷،۱۰۰۱؛ ۱۱،۲۱)

بیت دوم در فصل «ابیات پراکنده که به هم پیوسته نیست» به گونه ذیل آمده است:

بسا کسا که جوین نان همی نیابد سیر

بسا کسا که بره ست و برخشه بر خوانش (۷،۱۰۶۰؛ ۱۱،۲۹۱)

در کتاب «ابو عبدالله رودکی» نیز بیت مذکور خطا آمده و گویا متن درست خطا خوانده شده است:

بسا کسا که جوین نان همی نیابد سیر

بسا کسا که بره ست و برخشه بر خوانش (۵،۱۹۱)

بیت آخر شعر نیز در فصل مذکور با تبدیل مصرع آمده است:

اگر ت بدره رساند هم به بدر منیر

مبادرت کن و خاموش مباح چندینا (۱،۲۷۶)

در نسخه سعید نفیسی بیت بالا به گونه زیر آمده است که صحیح نیست:

اگر ت بدر رساند هم به بدر منیر

مبادرت کن و خاموش مباح چندینا (۷،۱۰۴۸)

به اندیشه ما در نسخه های بعدی و علمی و انتقادی از تکرار پراختلاف ابیات رودکی باید پرهیز کرد. زیرا با این نوع تهیه متن ابیات بازمانده استاد رودکی را از جهت تعداد زیاد و از لحاظ معنی کم خواهیم نمود.

در «دیوان استاد رودکی» شعری چنین آمده است که صحیح نیست:

بی قیمت است شکر از آن دو لبان اوی

قاصد شد از دو زلفش بازار شاهبوی

این ایغده سری به چه کار آید، ای فتی؟

در باب دانش این سخن بیهوده مگوی!

تا صبر را نباشد شیرینی شکر

تا بید را نباشد بو چو داربوی (۱،۲۵۷)

در نسخه سعید نفیسی واریانت درست شعر آمده است (۷،۱۰۳۵). هنگام مقایسه نسخه ها معلوم گشت که در «دیوان استاد رودکی» به جای «قاصد» (در مصرع دوم) و «بویی» (در مصرع آخر) اشتباهاً کلمه «قاصد» و «بو» ثبت شده اند، که شاید هنگام نشر کتاب رخ داده است.

شکل صحیح بیت اول در فصل «بیت های پراکنده از آثار دیگر رودکی» نسخه خلیل خطیب رهبر به تکرار آمده است (۱۱،۶۵). از اینجا می توان خلاصه نمود که تکرار ابیات در اکثر نسخه های آثار رودکی جای دارند.

مصرع دوم در نسخه سعید نفیسی به گونه زیر است:

این ایغده سری به چه کار آید، ای فتی

در باب دانش این سخن بیهوده مگوی (۷،۱۰۳۵)

اگرچه واژه «ایغده سری» و «ایغده سری» یک معنی را دارند و دو گونه یک کلمه می باشند، باید بر اساس سرچشمه های کهن یکی را قبول کرد.

در «دیوان استاد رودکی» شعری آمده است که اضافه شدن یک حرف سبب رخ دادن خطا گشته:

چرخ فلک هرگز پیدا نکرد چون تو یکی سفلت و دون و ژکور
 خواجه ابوالقاسم از ننگ تو بر نکند سر ز قیامت ز گور (۱،۲۱۹)
 در مصرع دوم به جای کلمه «سفله» واژه «سفلت و» ثبت شده است و شکل درست شعر در
 نسخه های دیگر به نظر می رسد (۱۲،۴۰؛ ۶،۲۲۴؛ ۷،۱۰۰۰).

در «دیوان استاد رودکی» شعری چنین آمده است:

به دور عدل تو در زیر چرخ مینایی

چنان گریخت ز دهر دو رنگ رنگ فتور

که باز شانه کند همچو باد سنبل را

به نیش جنگل خونریز تارک عصفور (۱،۲۱۱)

در سطر آخر به جای واژه «چنگل» سهواً «جنگل» آمده، معنی شعر را خللدار ساخته است.

در فصل «قطعه‌ها» پاره‌های شعرهای گوناگون کتاب «شعر رودکی» چهار سطر استاد رودکی
 به گونه زیر آمده:

دروازه درواز فرو گشت و برآمد

بیم است که یک بار فرود آید دیوار

دیوار کهن گشته نپردازد پایزر

یک روز همه پست شود، رنجش بگذار (۱۲،۳۸)

در «دیوان استاد رودکی» تعداد ابیات این شعر بیشتر است:

ای عاشق دلداده بدین جای سپنجی

همچون شمنی شیفته بر صورت فرخار

امروز به اقبال تو، ای میر خراسان

هم نعمت و هم روی نکو دارم و سیار

دروازه درواز فرو گشت و بر آمد
 بیم است که یک بار فرو آید دیوار
 دیوار کهن گشته پردازد با دیز
 یک روز همه پُشت شود، رنجش بگذار
 آن حُجش ز گردنش در آویخته گویی
 خیکی است پر از باد در او ریخته از بار
 آن کن که در این وقت همی کردی هر سال
 خَزْپوش و به کاشانه رو از صُفّه و فَرّوار
 یاد آری و دانی که تویی زیرک و نادان
 وریاد نداری تو سگالش کن و یاد آر (۱،۲۱۴)

در مصرع دوم به جای «اقبال» سهواً «اقبال و» آمده است. در مصرع پنجم شعر فوق و مصرع اول نسخه یکم واژه «درواز» آمده است که شاید درست نیست. زیرا در «فرهنگ اشعار رودکی» و هم «فرهنگ زبان تاجیکی» این واژه به چشم نمی‌رسد. غالباً شکل درست کلمه «دریواس» است که به معنی «چهارچوبه در، قالب در؛ چوبی که بر پشت در می‌گذارند تا در گشاده نشود» (۹،۳۳۰؛ ۶،۸۸) است. «درواز» شکل کوتاه شده «دروازه» (در بزرگ دوطبقه) است. از این نگاه بیت مورد بحث را به شکل زیر می‌توان آورد:

دروازه دریواس فرو گشت و بر آمد

بیم است که یکباره فرود آید دیوار (رک: ۶،۸۸؛ ۹،۳۲۸).

بیت چهارم «دیوان استاد رودکی» نیز بی خطا نیست و از متنی که در کتاب «شعر رودکی» آمده است فرق می‌کند. اختلاف نسخه‌ها بین کلمه‌های پردازد-نپردازد، با دیز-بازیر، پشت-پست و رنجش-رنجش می‌باشد.

در مورد واژه اول باید گفت که در این بیت «نپردازد» صحیح است. واژه «پرداختن» در بیت مذکور معنی «گرفتن. داشتن؛ تکیه نمودن» دارد (۶،۱۹۲). «دیز (یا دز)» معنی «قلعه،

حصار» را داشته با بیت ارتباطی ندارد. شکل صحیح واژه شاید «پازیر» (چوبی که زیر سقف خانه یا پهلوی دیوار رخنه و خمیده استوار کنند تا که نیفتد. تیرگ، تکیه گاه - ۶،۱۹۷) است، بنا به سبب شباهت کتابت و ناروشنی خط اشتباهاً «با دیز» خوانده شده است. به اندیشه ما آمدن واژه «پست» که معنی «به زمین یکسان شدن، افتادن» را دارد (۶،۱۹۳)، نسبت به کلمه «پشت» صحیح است. ظاهراً بیت مورد بحث چنین معنی دارد:

دیوار کهنه شده را تکیه گاه (پازیر) نمی تواند از افتادن باز دارد و خواه و ناخواه یک روز افتادن آن (پست شدن آن) ناگزیر باشد، از این رو نباید رنج بیهوده کشید.
در نسخه استاد سعید نفیسی شعر مورد بحث همگی سه بیت دارد و از نسخه مذکور بی فرق نیست:

دروازه دریواز فرو گشت و برآمد

بیم است که یک بار فرود آید دیوار

آن خجش ز گردنش در آویخته گویی

خیکی است پر از باده در آویخته از بار

آن کن که در این وقت همی کردی هر سال

خز پوش و به کاشانه رو از صُفه و فروار (۷،۹۹۹)

بیت دوم در «فرهنگ اشعار رودکی» نیز ذیل کلمه «خیکی» به گونه فوق آمده (۶،۲۵۹). از مقایسه ابیات معلوم می شود که در «دیوان استاد رودکی» به جای «خجش» اشتباهاً «حجش» و به جای «باده» کلمه «باد» آمده، معنی را خلل دار نموده است. استاد سعید نفیسی در مورد واژه «خجش» می گوید:

«خجش- چیزی باشد که در ختلان و فرغانه و حوالی آن بر گردن مردم بروید و دردی ندارد، ولی بریدن آن را خطر است...» (۷،۹۹۹) و چنین معنی را «فرهنگ اشعار رودکی» ذیل واژه «خجش» تکرار می سازد و برای شاهد بیت مذکور آمده است (۶،۲۵۹).

معلوم می‌شود که شعر مورد بحث در «دیوان استاد رودکی» هفت بیت، در نسخه سعید نفیسی سه بیت و در کتاب «شعر رودکی» دو بیت آمده است. افزون بر اختلاف تعداد ابیات در نسخه های مذکور، بیتهایی جای دارند که دیگری آن را ندارد و یا بیتهای مشترک عین هم نیستند. از لحاظ تعداد ابیات شعر نسخه «دیوان استاد رودکی» نسبتاً کامل است، ولی بیت های دوم، سوم، چهارم و پنجم آن تصحیح می‌خواهند. اگر متن «دیوان استاد رودکی» را چون نسخه اساس و نسخه سعید نفیسی، کتاب «شعر رودکی» و ابیات شاهد فرهنگ نامه ها را چون نسخ فرعی در نظر بگیریم، در این صورت بعد از مقایسه و تصحیح ابیات شعر مورد بحث را به طور زیر می‌توان آورد:

ای عاشق دل‌داده بدین جای سپنجی
همچون شمنی شیفته بر صورت فرخار
امروز به اقبال تو ای میر خراسان
هم نعمت و هم روی نکو دارم و سیار
دروازه دریواس فرو گشت و برآمد
بیم است که یکباره فرود آید دیوار
دیوار کهن گشته نپردازد پازیر
یک روز همه پست شود، رنجش بگذار
آن خجش ز گردنش در آویخته گویی
خیکی است پر از باده در او ریخته از بار
آن کن که در این وقت همی کردی هر سال
خز پوش و به کاشانه رو از صغه و فروار
یاد آری و دانی که تویی زیرک و نادان
ور یاد نداری تو سگالش کن و یاد آر

در اینجا ادعای آن را نداریم که اصل شعر استاد رودکی به شکل فوق بوده است، زیرا بین ابیات شعر قرابت مضمون کمتر به نظر می‌رسد. تنها یک اندیشه شاگردانه خویش را بیان داشتیم تا هنگام تهیه متن های انتقادی و نسخه های بعدی به کار آید.

بحث در اطراف اشعار رودکی بسیارند. اختلاف ابیات و نسخ نه تنها خواننده، بلکه پژوهشگران را نیز در تحیر گذاشته‌اند. اینجا می‌خواهیم اندیشه‌ی خویش را پیرامون تصحیح چند بیت بیان سازیم.

«پای دار»، «پایدار» یا «پایدان»

در «دیوان استاد رودکی» شعری آمده است که از نسخه‌های دیگر فرق می‌کند:

یخچه می‌بارید از ابر سیاه چون ستاره بر زمین از آسمان

چون بگردد پای او از پای دار آشکوهیده بماند همچنان (۱،۲۴۲)

در مصرع آخر واژه «اشکوهیده» آمده است که صحیح نیست و شکل درست کلمه «آشکوخیده» (لغزیدن، لغزیده افتادن) است. در کتاب «شعر رودکی» شعر مذکور به طور مستقل و چنین ثبت شده است:

یخچه می‌بارید از ابر سیاه چون ستاره بر زمین از آسمان

* * *

چون بگردد پای او از پایدار آشکوخیده بماند همچنان (۱۲،۴۲)

در «فرهنگ اشعار رودکی» نیز بیت دوم ذیل واژه «آشکوخیده» عیناً تکرار شده است (۶،۱۸۷).

در بیت نخست استاد رودکی باریدن یخچه (تگرگ، بارانی که به شکل یخ می‌بارد، ژاله) را از ابر سیاه به ریزش ستاره‌های آسمان تشبیه نموده است که خیلی پسندیده و جالب است.

در بیت دوم واژه‌های «پای دار» و «پایدار» سبب اختلاف نسخه‌ها شده‌اند. واژه «پایدار» در «فرهنگ اشعار رودکی» معنی «قوت، قدرت، توانایی؛ استواری» را دارد و برای شاهد بیت دوم شعر آمده است (۶،۱۹۷). علاوه بر این، در فرهنگ مذکور ذیل واژه‌های «پایدان» و «شکوهیدن» واریانت دیگر بیت به چشم می‌رسد:

چون بگردد پای او از پایدان خود شکوخیدن بماند همچنان (۲۸۹، ۱۹۷، ۶).
 واریانت بالا از نگاه وزن خللی به شعر وارد نمی‌کند، ولی می‌تواند شناخت متن اصلی
 و صحیح را سنگین‌تر سازد.

کلمه «دار» در لغت «درخت، تنه درخت» باشد و مراد از «پای دار» همانا زیر، بیخ درخت
 است. از این دیدگاه، در بیت دوم نیز تصویر زیبا و تشبیه جالب شاعرانه به نظر می‌رسد. شاعر
 لغزیدن پای او «بخچه» را از پای دار (بیخ درخت) به شخص آشکوخیده (کسی که پایش به چیزی
 برخورد و بر انگشت بایستد و خود را از افتادن نگاه دارد) مانند می‌سازد. به اندیشه ما «پای دار»
 خواندن متن درست و به معنی موافق است. شکل صحیح شعر شاید چنین باشد:

بخچه می بارید از ابر سیاه چون ستاره بر زمین از آسمان
 چون بگردد پای او از پای دار آشکوخیده بماند همچنان

«نان سمین» یا «نان شمده»

ضمن مقایسه نسخه‌های اشعار بازمانده سلطان شاعران، شعر دیگری به چشم رسید
 که واریانتهای گوناگون دارد. در کتاب «شعر رودکی» آمده است:

خَلْخِیان خواهی و جَمّاش چشم گردسُرین خواهی و بارک میان
 نانک کشکینت روا نیست نیز نان شمده خواهی، گرد کلان (۱۲، ۴۰)

در «دیوان استاد رودکی» واریانت دیگر شعر مذکور ثبت یافته است که در سطر اول
 به جای «خَلْخِیان» (مراد دختران زیبا، صاحب جمال) اشتباهاً «خلوخیان» چاپ شده است:

خلوخیان خواهی و جَمّاش چشم گردسُرین خواهی و بارک میان
 کشکین نانت نکنند آرزوی نان سمین خواهی گرد و کلان (۱، ۲۴۳)

بیت اول در «فرهنگ اشعار رودکی» ذیل واژه های «خلوخ»، «جماش چشم»،
 «گردسُرین» و «بارک میان» عین نسخه فوق آمده است و به صحیح بودن آن ما را شکی

نیست. بیت دوم، ضمن کلمه‌های «کشکین» (نان جوین)، «نان» و «سمین» (نان ستبر) به گونه زیر آمده:

کشکین نانت نکنند آرزو نان سمین خواهی گرد و کلان

در همین کتاب ذیل واژه «نانک» واریانت دیگر بیت مورد بحث جای دارد:

نانک کشکینت روا نیست نیز نان شمد خواهی گرد و کلان (۶،۱۷۵)

از گفته های بالا معلوم می شود که مؤلف «فرهنگ اشعار رودکی» ذیل واژه های «کشکین»، «نان» و «سمین» یک واریانت بیت و ضمن کلمه «نانک» واریانت دیگر آن را آورده است. چنین پدیده در «فرهنگ زبان تاجیکی» نیز به چشم می رسد. چنانکه ذیل واژه «شمد» (یک نوع نان سفید کلان) بیت فوق چنین آمده که بی خطا نیست:

نانک کشکینت روا نیست نیز نان شمد خواهی گرده کلان (۱۰،۵۶۳)

ضمن کلمه های «کشکین» و «سمین»، بیت مورد بحث به شکل زیر ثبت شده است:

کشکین نانت نکنند آرزو

نان سمین خواهی گرد و کلان (۹،۵۴۶؛ ۱۰،۱۸۵).

در اکثر نسخه ها وزن و معنی خلل نیافته است، بین «گرد و کلان» و «گرد کلان» نیز چندان فرق نیست. در نسخه سعید نفیسی مصرع آخر چنین است: ...نان (سمن) خواهی گرد و کلان (۱۰۲۳-۱۰۲۲، ۷)

سعید نفیسی در پاورقی در مورد واژه «سَمَن» (سُمن) می گوید: «... و «سَمَن» معلوم نیست در این بیت چه معنی می دهد، مگر آنکه «سَمَن» تازی به معنی فربهی یا چربی و روغن باشد یا آنکه همان کلمه‌ای است که امروز «سمنو» می گویند، یعنی آرد جو ریشه کرده» (۷،۱۰۲۳).

بنا به سبب آنکه سرچشمه های «دیوان استاد رودکی» (۱،۲۴۳) بیشتر اعتمادبخش است، بعد از تصحیح بیت اول به اصل قریب و صحیح دانستن همان واریانت شاید صواب باشد. امید داریم که در این خصوص استادان باز صحبت خواهند کرد.

«بنگزید» یا «بنگزیرد»

در «دیوان استاد رودکی» شعری به گونه‌ی زیر به چشم می‌رسد که واریانت های دیگر

نیز دارد:

رفیقا، چنـد گویـی نشاطت بنگزید کس از گرم آفروشه

مرا امروز توبه سود دارد چنان چون دردمند را شنوشه (۱،۲۴۶)

مصرع نخست افتادگی دارد و شکل صحیح مصرع چنین است: رفیقا، چند گویی کو نشاطت...

در «فرهنگ اشعار رودکی» بیت اول ذیل واژه «آفروشه» عیناً آمده است (۶،۱۸۷). در

«فرهنگ زبان تاجیکی» مصرع چهارم شعر مذکور به شکل زیر آمده: ...چنان چون دردمندان

را شنوشه (۹،۹۳۹)

از قیاس نسخ برمی‌آید که در «دیوان استاد رودکی» سطر آخر نیز خطا دارد، یعنی به

جای «دردمندان» اشتبهاً «دردمند» آمده است. در نسخه‌ی آماده نموده‌ی استاد خلیل خطیب رهبر

واریانت دیگر شعر چنین ثبت شده است:

رفیقا، چند گویی کو نشاطت بنگزیرد کس از گرم آفروشه

مرا امروز توبه سود دارد چنان چون دردمندان را شنوشه

بنا به قول خلیل خطیب رهبر واژه «بنگزیرد» معنی قطع نظر نکند، گزیریدن، قطع نظر

و صبر و چاره کردن» را دارد.

شَنُوشه / شَنُوشه - در لغت «عطسه» (۱۰،۵۸۹)، صبر، طاقت و شکیبایی است (۶،۲۸۲). دکتر خلیل خطیب رهبر در مورد این واژه می‌گوید: «... مردم در قدیم معتقد بودند که اگر بیمار عطسه کند، حال او رو به بهبود می‌نهد» (۱۱،۴۲).

اگرچه بین نسخه‌های مذکور اختلافی جای دارد، هیچ یک نسخه از لحاظ معنی و وزن خراب نیست. زیرا به جای «بنگیزد» آمدن «بنگیزد» و یا جای «شَنُوشه» ثبت شدن «شَنُوشه» در نسخه‌ها چندان شعر را خلل‌دار نساخته است. اینجا سؤالی به میان می‌آید که اصل شعر آدم الشعرا چگونه است، «بنگیزد» یا «بنگیزد»؟

لازم به ذکر است که در تمام نسخ مذکور غیر از نسخه خلیل خطیب رهبر «بنگیزد» آمده است. در نسخه سعید نفیسی نیز همچنین. از این دیدگاه شکل صحیح شعر شاید چنین باشد:

بنگیزد کس از گرم آفروشه	رفیقا، چند گویی کو نشاطت
چنان چون دردمندان را شنوشه (۷،۱۰۲۵)	مرا امروز توبه ســـــود دارد

پی‌نوشتها:

۱. عبدالمنان نصرالدین- رودکی (نسخه شناسی و نقد و بررسی اشعار بازمانده). خجند، رحیم جلیل، ۱۹۹۹، ۳۹۶ ص.
۲. گلشن ادب- نمونه های نظم فارس و تاجیک عصرهای ۹-۱۳. جلد ۱. دوشنبه، عرفان، ۱۹۷۵، ۴۳۲ ص.
۳. زائر اف ح- متن شناسی (راهنمای تعلیم)، خجند، نور معرفت، ۲۰۰۳، ۸۸ ص.
۴. قرآن مجید- ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: سروش. ۱۳۷۱.
۵. میرزا یف ا- ابوعبدالله رودکی. استالین آباد، نشریات دولتی تاجیکستان، ۱۹۵۸، ۲۷۸ ص.
۶. نوراف امان- فرهنگ اشعار رودکی. دوشنبه، معارف، ۱۹۹۰، ۳۶۸ ص.
۷. سعید نفیسی- احوال و اشعار ابوعبدالله جعفر ابن محمد رودکی سمرقندی. مجلد سوم. تهران، ۱۳۱۹.
۸. سعیداف س- ادبیات دوره سامانیان در فرهنگ های فارسی. خجند، رحیم جلیل، ۱۹۹۹، ۲۳۲ ص.
۹. فرهنگ زبان تاجیکی- عبارت از دو جلد. مسکو. دائره المعارف شوروی، ۱۹۶۹. جلد ۱. ۹۵۲ ص.
۱۰. فرهنگ زبان تاجیکی- عبارت از دو جلد. مسکو، دائره المعارف شوروی، ۱۹۶۹. جلد ۲. ۹۵۲ ص.
۱۱. خلیل خطیب رهبر- رودکی. به معنی واژه ها و شرح بیتهای دشوار و برخی نکته های دستوری و ادبی. تهران، ۱۳۴۳ خورشیدی، ۷۱ ص.
۱۲. شعر رودکی- مرتب، مؤلف سرسخن و توضیحات رسول هادی زاده، مرتب ترجمه های روسی فریدون هادی زاده. دوشنبه، دوشتیج، ۲۰۰۳، ۱۲۴ ص.